

ریشه دیوانسالاری و سرمایه‌داری دولتی در ایران

جناب آقای هوشنگ کریم‌پور از اداره حقوقی مدیریت شعب بانک ملت استان خوزستان طی مرقومه‌ای به انتقاد از اظهارات اینجانب در میزگرد مجله بانک و اقتصاد در شماره ۵۵ پرداخته‌اند که لازم است خدمت این خواننده ارجمند نکاتی معروض گردد: یکم - طبعاً در یک میزگرد فشرده و دوساعته که قرار است راجع به مهمترین ابزار پولی، یعنی نرخ بهره گفتگو شود، بیش از هر چیز تمرکز اندیشه شرکت‌کنندگان حول محور تلفیق مبانی نظری اقتصاد پول و نرخ بهره با تجربه و عملکرد اقتصادی قرار می‌گیرد، زیرا میزگرد نه مثل کتاب جای مباحث صرفاً نظری است و نه همانند محاوره عمومی بدون موضوع اصلی است، بلکه تبیین نظریات در خلال علم و تجربه است، لذا ممکن است که پاره‌ای مسایل، ناقص بمانند و حتی موجب انتقال مفاهیمی فرعی شوند که مورد نظر گفتگوکننده نباشد که حتماً از ناحیه شنوندگان و یا خوانندگان محترم قابل اغماض می‌باشد.

دوم - اگرچه موضوع گفتگوی میزگرد در شماره ۵۵ مجله بانک و اقتصاد راجع به نرخ بهره بود، ولی الزاماً برای تبیین نقش سرمایه‌داری دولتی - که بنا به ماهیت، با سرمایه‌گذاری دولت در همه بخش‌های اقتصاد چه عمومی و چه خصوصی مترادف است - تاکید و تشخیص جایگاه دیوانسالاری در انحصار تعیین نرخ بهره براساس بازده سرمایه دولتی، موضوعی بدیع است که بیشتر به فلاکت بخش خصوصی در ایران اشاره دارد تا نفی تمام‌عیار دیوانسالاری و صحت و سقم عملکرد شاغلان در دستگاه‌های دولتی. به عبارت دیگر، در واقع، این سرمایه‌داری دولتی است که دستگاه دیوانسالاری را به

بیراهه می‌کشاند و الزاماً دستگاه دیوانسالاری دولتی برای بقای خود، نفع شخصی و صنفی شاغلان آن را بر منافع عمومی که علت‌العلل تاسیس دیوانسالاری است، ترجیح می‌دهد، چرا که در دولت مدرن و سرمایه‌داری آزاد، دیوانسالاری دولتی نخبه‌گراست و به همین سبب، بالاترین دستمزدها در دستگاه دولتی پرداخت می‌شود، زیرا در غیراینصورت، عوامل دیوانسالاری به سرعت جذب بازار کار خصوصی می‌شوند.

۷۰ درصد از کارمندان دولت زیر خط فقر قرار دارند و با وجود این، از آنها انتظار پرکاری و وظیفه‌شناسی داریم!

سوم - با وجود استقرار سرمایه‌داری دولتی در ایران برپایه دیوانسالاری کهنسال و از پیش آماده کشور، دو نهاد کاملاً مختلف و حتی متباین درهم ادغام شده‌اند. به عبارت دیگر، وقتی از یکسو، خدمتگزاری که وظیفه دیوانسالاری دولتی است و از سوی دیگر، سودجویی و تعقیب منافع از طریق تراکم سرمایه (دولتی) که علی‌القاعده امری غیردولتی و مربوط به مردم و بخش خصوصی است و با مفهوم تاسیس دولت از نقطه نظر حقوقی متناقض است، هر دو در یکجا جمع شوند و سرمایه‌داری دولتی را به وجود آورند، اجازه بهره‌وری زحمات فراوان کارکنان فعال و صدیق را از آنها سلب می‌کند و ناامیدی و وازدگی گریبانگیر این دسته از کارمندان خدوم و صادق می‌شود تا جایی که حتی در ستاد اداری هم منزوی می‌شوند.

چهارم - اگر طی این گفتگو اظهار شده است که ۷۰ درصد کارمندان فقیرند و از کار می‌دزدند و ۳۰ درصد باقیمانده از مال، این عبارت اگرچه حرف مردم کوچه و بازار نیز می‌باشد (بنا به تصدیق همین خواننده محترم) ولی بدان معنی نیست که حرف نادرستی است، دقیقاً به یاد داشته باشیم که بسیاری از حرف‌های مردم کوچه و بازار ناشی از تجربه آنهاست و به همین علت، مورد اعتنای هر کارشناس و محقق است که به علم از نگاه تجربی و عینی توجه می‌نماید. لذا به صرف این که مطلبی حرف مردم کوچه و بازار است، نمی‌توان آن را نفی کرد، بلکه اصولاً تاسیس علوم پوزیتیو و تجربه‌گرا، از بی‌توجهی به تجربه عملی در قرون وسطا حاصل گردید. لذا کاملاً برعکس، توجه شایسته به تجربه و نظریات مردم کوچه و بازار، مقدمه و مصالح اولیه برای دریافت تئوریک در عرصه علوم اجتماعی است، یعنی همچنان که واکنش عناصر ماده در آزمایشگاه، اساس نظریات علم شیمی است، واکنش عناصر اجتماعی، یعنی مردم هم شالوده عینی تحلیل و در نتیجه، مبنای هرگونه تئوری علمی در قلمرو علوم انسانی است، زیرا به عقیده بنده، اساساً علم اقتصاد - چه با روش‌شناسی اثبات‌گرا و یا ابوالگرا - عبارتست از تحلیل انتزاع تجربه اقتصادی، و همگان می‌دانیم که تجربه اقتصادی نزد مردم است. پنجم - مضافاً باید اذعان نمود که مطلبی که در گفتگوی شماره ۵۵ مجله بانک و اقتصاد راجع به کارمندان دولت گفته شد، صرفاً حرف مردم کوچه و بازار نیست، بلکه در تحقیقات مختلف راجع به نظام اداری ایران که از بهره‌وری پایین و یا مفاسد اقتصادی سخن می‌رود، به زبان علمی همان عبارت مردم عادی تکرار می‌شود، از جمله نامه مفید (مجله دانشگاه مفید

دیوانسالاری بوده است (رک: درآمدی بر دیوانسالاری در ایران / حمید تنکابنی). مگر همین ما ایرانی‌ها نبودیم که حکومت خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس را راه و رسم دیوانسالاری آموختیم و روش‌های دیوانسالارانه امپراتوری‌داری را به میان مسلمانان بردیم؟ آیا هیچگاه فکر کرده‌ایم که نهاد دیوانسالاری ایرانی تا چه اندازه مسوول تاسیس و استمرار خلافت عباسی به شیوه امپراتوری ساسانی و به‌ویژه ادامه نظام مالکیت دولتی بر زمین بوده است؟

درواقع، فقط وجود دیوانسالاری افراطی می‌توانسته است فقدان مالکیت خصوصی در مقیاس بزرگ را در طول تاریخ ایران توضیح دهد. از طرف دیگر، اکثر ما «همه عواملی را که موجب سقوط قلاع اسماعیلیه در برابر هلاکوخان مغول شده، خوانده‌ایم، اما شاید ندانیم که عامل اصلی، خواجه نصیر طوسی، وزیر و مشیر و مشاور ناصرالدین، محتشم قهستان بود که حتی پسر پادشاه اسماعیلی را وادار کرد تا به هلاکوخان پناه ببرد و همین امر موجب شد که شاه اسماعیلی ناچار شود قلعه را تسلیم کند و چون هلاکو توفیق یافت، خواجه را مقرب ساخت.» (رک: سیاست و اقتصاد عصر صفوی / باستانی پاریزی / صفحه ۴۰۴).

ششم - در پایان، لازم به یادآوری است که بدون شک همواره کارمندان خدم و صدیق در دستگاه‌های دولتی وجود داشته‌اند و دارند که اگرچه زیر خط فقر نسبی زندگی می‌کنند، ولی از کار نمی‌دزدند و اگر درآمد مکفی

داشته‌اند، به آن بسنده کرده‌اند و از فساد دوری جستند.

علی فتاحی

همانگونه که تاسیس مالکیت دولتی بر زمین - از بدو پیدایش حکومت ایالتی هخامنشی در ایران - دستگاه عریض و طویل دیوانسالار را به‌وجود آورد تا مالیات‌ها و بهره‌های مالکانه از مردم بینوا و زحمتکش جمع‌آوری شود، دقیقاً به همان شکل، طی یک قرن گذشته، مالکیت دولتی در قالب سرمایه‌داری دولتی به‌وجود آمد تا مثلاً در بهترین حالت بعد از انقلاب، انبوه مردمی را که دولت در ادارات و سازمان‌های گوناگون بر سر کار گذاشته است، تامین مالی کند و به اصطلاح اشتغال ایجاد نماید. لحاظاً سرمایه‌داری دولتی، دست در دست دیوانسالاری گسترده ایرانی - که زبانزد عام و خاص عالم است - دستگاه دیوانسالار را از حیز انتفاع خدمتگزاری به عموم مردم خارج



▲ کارکنان خدم و صادق، حتی در ستاد اداری هم منزوی می‌شوند.

ساخته و بیشتر به مزاحم توسعه ایران تبدیل کرده است. به همین سبب، اگر ایران را طی ۲۵ قرن گذشته کشور دیوان‌ها بنامیم، خیلی از واقعیت دور نیست، چرا که ایران در طول تاریخ، مرکز ابداع انواع و اقسام دیوان‌های دولتی بوده است که امور حکومت‌های ملکنار و بعدها سرمایه‌دار را در کشور رتق و فتق می‌کرده است. جالب آن که طی دوهزار سال گذشته، یکی از مهمترین صادرات ایران به جهان، صادرات

سال نهم / مهر و آبان ۱۳۸۲) طی مقاله‌ای با بررسی رگرسین موسسه PRS به این نتیجه می‌رسد که خطر فساد در ایران، با نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به GDP ارتباط معکوس دارد، اما برای سرمایه‌گذاری بخش دولتی رابطه مستقیم برقرار می‌نماید. و یا مثلاً آقای دکتر ابراهیم رزاقی که از استادان شناخته‌شده و نامدار اقتصاد ایران و استاد دانشگاه هستند، در بهمن ماه ۱۳۸۳ در جمع فرهنگیان و دبیران رشته اقتصاد و علوم اجتماعی اظهار نموده‌اند: «حدائق خط فقر در نقاط شهری ۲۲۰ هزار تومان است که با این تعریف، بالغ بر ۷۰ درصد از کارمندان دولت زیر خط فقر نسبی قرار دارند.» (روزنامه رسالت ۱/۵/۸۳).

۷۰ درصد از کارمندان دولت زیر خط فقر قرار دارند و با وجود این، از آن‌ها انتظار پرکاری و وظیفه‌شناسی داریم! طبعاً به جز عده‌ای معدود که به موازین اخلاقی سخت وفادارند، اکثر این عده با کم‌کاری و نامهربانی با ارباب رجوع و یا دریافت انواع و اقسام مرخصی‌های استحقاقی و غیراستحقاقی و استقبال از تعطیلات فراوان در کشور و نیز با سرگردان‌نمودن مراجعان و یا ارایه کار با بهره‌وری پایین، نارضایتی خود را از این وضع ابراز می‌دارند. بنابراین، باقی می‌ماند ۳۰ درصد که حقوق‌های خوب و مناسب دریافت می‌نمایند که باز به جز عده‌ای معدود از آنها، بخش قابل توجهی، فساد اداری را دامن می‌زنند، زیرا در بیرون، یعنی در بخش خصوصی خبری نیست که

آنها جذب شوند، لذا در دستگاه دولتی می‌مانند و با روش‌های غیرمجاز منافع خود را تامین می‌کنند.

دلیل اصلی این وضعیت هم آن است که دیوانسالاری ایران با مالکیت ادغام شده است، یعنی

این، سرمایه‌داری دولتی است که دستگاه دیوانسالاری را به بیراهه می‌کشاند.